

مقدمه

تربیت نوجوانان از حیث اجتماعی و فرهنگی اهمیت اساسی دارد. نوجوانی دورانی حساس و سرنوشت ساز به شمار می رود. در نوجوانی، ارتباط فرد با خانواده تحت الشعاع روابط هم سالان، رسانه ها و گروه های مرجع رفتاری قرار می گیرد. در این دوره، نوجوان بیشتر در محیط مدرسه و گروه هم سالان زندگی می کند. ضعف ارتباط، کار و عملکرد تربیتی والدین و محیط خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد. راهبردهایی که برای تربیت نوجوان گزینش می شود باید با حساسیت و با نظر به شرایط زیستی و محیطی نوجوان انتخاب شود. در این مرحله سنی، تأثیرپذیری نوجوان از گروه های مرجع در نحوه پوشیدن لباس، آرایش، تعامل درون گروهی، ارتباط با انجمن ها و احزاب و حتی برخی بزه کاری ها و کج روی ها بیش از همه به چشم می خورد. مدیریت الگوپذیری نوجوانان در محیط خانواده اهمیت مضاعف دارد. هم حساسیت والدین به آینده فرزندان نوجوان و هم نیاز جامعه به پرورش درست این قشر جامعه، ضرورت مدیریت الگوپذیری را توجیه پذیر می نماید.

در نوشته پیش رو، سعی شده است از برخی راهبردهای کاربردی بحث شود که با استفاده از آنها والدین قادر خواهند بود گرایش نوجوانان به الگوپذیری، مدگرایی و روابط بیرون از خانواده را مدیریت و سلامت آینده آنان را تضمین کنند. در بحث حاضر، دو راهبرد کلان «مدیریت الگوپذیری نوجوان از طریق معاشرت» و «مدیریت الگوپذیری نوجوان از طریق هم اندیشی» بررسی شده است. در ذیل این دو عنوان، سازوکار اسلامی «مدیریت الگوپذیری نوجوان» بازکاوی شده است. چنان که از خود عناوین پیداست، راهبرد اول یک راهبرد رفتاری، و راهبرد دوم یک راهبرد شناختی است.

بیان مسئله

پیشرفت، توسعه، کمال و پویایی جوامع مرهون نیروهای تربیت شده آن جوامع است. صلاح و سلامت نسل های متوالی جوامع با برنامه های تربیتی تحقق می پذیرد. کودکان، نوجوانان و جوانان در صورتی به افراد مفید و مؤثر تبدیل می گردند که فرایند تربیتی درستی را پشت سر بگذارند. نوجوانان و نونهالان امروز تصمیم گیران آینده جامعه اند. آنها با فعالیت و حضور خود در عرصه های گوناگون اجتماعی، قوام، ثبات و پایداری جامعه را رقم خواهند زد. بنا به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام، «کسی که در کوچکی درست تربیت نشود در بزرگی قادر نخواهند بود [در مسائل سیاسی - اجتماعی] بر دیگران پیشی بگیرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳). بنابراین، جامعه ای می تواند افراد پیش قدم و پیش گام داشته باشد که در تربیت کودکان و نوجوانان خود سرمایه گذاری

خانواده و مدیریت الگوپذیری نوجوان

gh.koosha@hotmail.com

غلامحیدر کوشا / کارشناسی ارشد جامعه شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

ابوالفضل ساجدی / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۵

چکیده

این نوشتار به یکی از مسائل اجتماعی معاصر اشاره دارد. الگوپذیری نوجوان مسئله ای است که در قالب مدگرایی، ارتباط با گروه های نابهنجار اجتماعی، گرایش به هنجارهای زودگذر و سستی روابط خانوادگی بروز می یابد. واکنش های ابتدایی والدین در دو طیف افراط و تفریط قرار دارد. آنان، گاهی سخت گیر می شوند و طرد بی حساب را در پیش می گیرند و گاهی تسلیم می شوند و در قبال سرنوشت نوجوان به گونه ای خنثا عمل می کنند. وضعیت مطلوب آن است که والدین با در نظر داشتن شرایط سنی و اجتماعی نوجوان و با استفاده از راهبردهای تربیتی مؤثر، الگوپذیری نوجوان را مدیریت و سامان دهی کنند. راهبردهای پیشنهادی مقاله حاضر در قالب دو راهبرد کلان «مدیریت الگوپذیری از طریق معاشرت» و «مدیریت الگوپذیری از طریق هم اندیشی با نوجوان» جای می گیرد. این راهبردها با استفاده از آیات و روایات و با توجه به شرایط و ظرفیت های زندگی خانوادگی مطرح گردیده است.

کلیدواژه ها: تربیت، نوجوان، خانواده، دین، الگوپذیری نوجوان، مدیریت.

نموده، آنها را طبق نیازهای اجتماعی و سیاسی جامعه تربیت کرده باشد. بدین‌روی، امام حسن علیه السلام فرزندان امروز را بزرگان فردا می‌خواند: «به راستی، شما کودکان امروزید و در آینده نه چندان دور، بزرگان قوم دیگری خواهید شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۲).

نوجوان از حیث شناختی، به دنیای استدلال و انتزاع پا می‌گذارد و نسبت به هویت خود و چگونگی دنیای پیرامون به تأمل می‌نشیند (آقا محمدیان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰). او میان زیست جهان، فرهنگ، جامعه و نحوه زندگی خانوادگی خود و فرهنگ، جوامع و نحوه زندگی دیگران مقایسه می‌کند. ترجیح کارهای گروهی، اهمیت هم‌سالان، تمرد علیه کنترل خانواده، پای‌بندی شدید نسبت به عقاید و افکار خود در مقابل معیارهای پذیرفته شده والدین، تبدیل وضعیت تقلید از هنجارها به تقلید از الگوها و شخصیت‌های مطرح در سطح جامعه، و روحیه استقلال‌طلبی از ویژگی‌های بارز دوره نوجوانی به شمار می‌رود (شرفی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸-۱۵۹). کاهش روابط خانوادگی سبب می‌شود نوجوان به روابط اجتماعی بیرون از خانواده علاقه پیدا کند. بر همین پایه، تأثیر خانواده و معلمان در هنجارپذیری و سبک زندگی نوجوان کم‌رنگ و به جای آنها، گروه همسالان و گروه‌های مرجع ورزشی و هنری نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کند. گروه‌های مرجع جدید نظیر هنرمندان، ستاره‌های ورزشی و هنری و نیز هم‌سالان منبعی برای انتخاب ارزش‌های نوجوان قلمداد می‌گردد. نوجوان به صورت منحصر به فرد، به همنوایی اظهار علاقه‌مندی می‌کند (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۳۱۴). همین گرایش آنها را به سمت همنوایی با کسانی (هم‌سالان) فرامی‌خواند که از بیشترین سطح تعامل صمیمی برخوردارند.

از حیث تربیتی، موضع خانواده در قبال ارتباط نوجوان و گروه‌های مرجع اهمیت دارد. خانواده‌ها غالباً در مواجهه با نحوه پیوند نوجوان با هم‌سالان، رسانه و شخصیت‌های هنری و ورزشی با چالشی جدی روبه‌رو هستند. برخی با تردید و انکار حقیقتی که ریشه زیستی و روانی - اجتماعی دارد، عرصه را بر نوجوانان تنگ می‌کنند و سخت‌گیری بیجا به خرج می‌دهند. در مقابل، برخی دیگر با تسلیم شدن در قبال تعلقات و گرایش‌های نوجوان، بی‌مسئولیتی کرده و در مواجهه با گرایش‌های فرزندان خود، خستنا عمل می‌کنند. این درحالی است که نحوه مواجهه والدین با نوجوان نه تنها بر ارتباط نوجوان و عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد، بلکه ارتباط خود والدین و نوجوان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. همان‌گونه که امام علی علیه السلام یادآوری نموده‌اند، «فرزندان در هفت سال اول، گلی زینت‌بخش، و در هفت سال دوم، خدمت‌گزار، و در هفت سال سوم [بسته به تلاش‌های تربیتی دوره‌های قبل] دوست و یا دشمن والدین هستند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۴۳).

بنابراین، علاقه نوجوان به الگوپذیری و هم‌سوئی و هم‌نوایی با شخصیت‌های مورد قبول خود، هم توجیه اجتماعی دارد و هم پشتوانه زیستی و روانی. الگوپذیری در نوجوانی گریزناپذیر است. از این‌رو، جا دارد بحث شود که آیا والدین بجز دو طیف پیوستار «انکار» و «تسلیم»، راه دیگری نیز در مواجهه با پدیده «الگوپذیری» در نوجوانی دارند؟ چگونه می‌توان با نوجوان برخورد کرد که هم اقتضات روحی، جسمی و اجتماعی دوره سنی دوره نوجوانی نادیده انگاشته نشود و هم سلامت اجتماعی نوجوان خدشه‌دار نگردد؟ شواهد و قراین به دست آمده از منابع دینی گویای این امر است که خانواده با در نظر داشتن سازوکار خاصی می‌تواند پدیده الگوپذیری را مدیریت و سامان‌دهی کند.

ضرورت مدیریت الگوپذیری نوجوان

بنابر مطالعات و تحقیقات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، بیشتر رفتارها و کنش‌های اجتماعی نوجوان متأثر از الگوهای رفتاری و در حاشیه ضعف روابط خانواده و نوجوان صورت می‌گیرد. الگوپذیری در نوجوانی یک امر اجتناب‌ناپذیر است. اما آنچه این واقعیت را بیش از همه مسئله‌دار جلوه می‌دهد، الگوپذیری نوجوان از خرده‌هنجارهای غیر متداول (ناهنجار) اجتماعی و معیارهای ناصوابی است که نوجوانان در انتخاب شخصیت‌های مهم (الگو) زندگی خود در نظر می‌گیرند؛ مسئله‌ای که بیشترین آسیب‌پذیری نوجوان را، که همان بی‌ثباتی در قضاوت‌های ارزشی باشد، رقم می‌زند. طبق نظر پژوهشگران، تزلزل در قضاوت‌های ارزشی نوجوان ریشه در ناپایداری گروه‌های مرجع دوران نوجوانی دارد (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴-۲۰۵).

طرد الگوپذیری و انکار پیوند نوجوان با گروه‌های مرجع نه تنها با اقتضات روانی و اجتماعی دوره نوجوانی ناسازگار است، که برای جامعه، بسیار خطرناک و آسیب‌زا هم هست. نقش مثبت خانواده در الگوپذیری و ارتباط عاطفی و رفتاری نوجوان با گروه هم‌سال، در ساماندهی این ارتباط و جهت بخشیدن آن به سمت صلاح و هدایت فرد و جامعه است. در نوشته پیش‌رو، به دو راهبرد کلان سامان‌دهی، که از آیات و روایات قابل استنباط است، اشاره شده و سازوکارهای اجرایی آن بررسی گردیده است.

الف. مدیریت الگوپذیری با هم‌اندیشی

الگوپذیری و تبدیل شدن آن به نموده‌های رفتاری، سه سرچشمه هم‌عرض و موازی دارد؛ سرچشمه‌هایی که الگوپذیری را به سمت سعادت و کمال و یا شقاوت و هلاک افراد

رهنمون می‌کند. انگیزش‌های انتخاب الگو، معیارهای انتخاب الگو، و هنجارهای به دست آمده از الگوپذیری سه سرچشمه تعیین کننده در ثمربخشی الگودهی و الگوپذیری است. اگر الگودهی و الگوپذیری با انگیزش‌های صحیح و معیارهای مطلوب و هنجارهای مطمئن همراه شود، هدایت فردی و اجتماعی را در پی خواهد داشت، و اگر به هر علت، در این سه عنصر کژاندیشی، بدفهمی و یا کوتاهی صورت بگیرد نتیجه قطعی آن فزونی آسیب‌های اجتماعی دامن‌گستر، آینده ناخوشایند برای الگوپذیر و جامعه، هنجارشکنی و هزینه‌های سنگین فرهنگی خواهد بود. بنابراین، در سامان‌دهی الگوپذیری، لازم است تفاهم حداقلی نسبت به سه عنصر مزبور در میان نوجوان و کارگزاران تربیت خانوادگی برقرار باشد.

۱. هم‌اندیشی در هنجارها: هنجارها به چگونگی انجام رفتارها مربوط است. هنجارها، چشم‌داشت‌های خاص رفتاری را به وجود می‌آورد. برپایه همین چشم‌داشت‌ها، نقش‌های رفتاری یا سلوک استاندارد ایجاد می‌گردد و توضیح داده می‌شود که چرا یک رفتار خاص مطلوب و قابل قبول است (کیندال، ۲۰۱۱، ص ۸۳). هنجارها تغییرات کند و سامان‌مندی ایجاد می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۰، ص ۳۶). در رفتارهای افراد نقش تعیین کننده دارند. کارگزاران جامعه‌پذیری، منابع اطلاعاتی افراد نسبت به هنجارها را در دسترس قرار می‌دهند. معمولاً هنجارها در خلال معاشرت و پی‌روی از الگوها و گروه‌های مرجع، درونی می‌شوند. هنجارهایی که با الگوپذیری نهادینه می‌شوند لزوماً کارآمد و سعادت‌بخش نیستند. هنجارها وقتی به سعادت فردی و اجتماعی کمک می‌کنند که در جهت ارزش‌های انسانی و مصالح دنیوی و اخروی باشند. نوجوانان بیش از کودکان و جوانان در معرض هنجارشکنی هستند. علت آن نیز بلوغ جنسی، ارتباط با هم‌سالان - که ممکن است بعضاً هنجارشکن باشند - و روحیه تأثیرپذیری از مدگرایی و شخصیت‌های کاذب است. نقش خانواده در تثبیت هنجارها در نوجوان پررنگ‌تر از سایر نهادهاست. آنها می‌توانند نسبت به هنجارها و بایدهای آن به گفت‌وگو بنشینند و در این موضوع با آنها هم‌اندیشی کنند. راهبردهای عملیاتی خانواده در باب هم‌اندیشی نسبت به هنجارها، در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

الف. بازخورد منطقی با هنجارهای خلق‌الساعه (مد)

«مد» معادل انگلیسی «fashion» به معنای روش و طریقه موقت است که طبق ذوق اهل زمان، طرز زندگی و لباس پوشیدن و مانند آن را تنظیم کند (دهخدا، ۱۳۵۲، ذیل واژه «مد»). «مد» روشی است

برای لباس پوشیدن، رفتار کردن، آذین‌بندی یا علاقه‌ای است که مد نظر قرار می‌گیرد. مد به عنوان یک پدیده فرهنگی دنیای نوین، بحث‌های دامنه‌داری را در علوم اجتماعی پدید آورده است. مد معلول عوامل متفاوتی است. نظریه مقبول پژوهشگران اجتماعی این است که مد در سایه زندگی نوین، با زمینه‌سازی‌های نظام سرمایه‌داری و با حمایت جنبش‌های اجتماعی فمینیستی و حاکمیت مکاتب فکری فردگرایی، انسان‌گرایی و سودگرایی به وجود آمده است. بازتاب فردی - اجتماعی مد به خوداظهاری و خودنمایشی مدگرایان در محضر دیگران بروز و ظهور می‌یابد (ترنر، ۲۰۰۶، ص ۱۹۷).

به خاطر پیچیدگی شکل‌گیری مد و زمینه‌های معرفتی و اجتماعی متفاوتش، خانواده‌ها نقش بنیادین در تأیید یا تردید نسبت به آن نمی‌توانند داشته باشند. خانواده‌ها می‌توانند با توسعه دانش نوجوان نسبت به آسیب‌ها و پیامدهای الگوپذیری، از هنجارهای خلق‌الساعه (مد) زمینه‌های گرایش نوجوان به این پدیده را کم‌رنگ کنند. دو عامل سبب پی‌روی نوجوان از مد می‌شود: یکی اینکه نوجوان با مد شخصیت خود را به نمایش می‌گذارد و با مد احساس هویت می‌کند. دیگر اینکه از پیامدهای هنجارگریزی تغافل می‌کند. پدران و مادران با ورود به همین دو حوزه، می‌توانند نسبت نوجوان و هنجارهای جدید را متحول سازند.

بیان ملاک‌های ارزشمندی انسان: پی‌روی از هنجارهای خلق‌الساعه با انگیزه خودنمایانگری نوجوان همراه است. نوجوان با مدگرایی، مهم بودن و به‌روز بودن خود را به نمایش می‌گذارد. این انگیزه نشان‌دهنده آن است که آنها نسبت به ملاک‌های ارزشمندی انسانها به دستبندی مطلوب نرسیده‌اند. از نظر اسلام، آرایش، لباس، نوع آرایش مو، برچسب لباس و مانند آن هیچ‌کدام موجب ارزشمندی انسان نیست، بلکه ارزشمندی و شخصیت افراد به یک عامل درونی و یک عامل رفتاری وابسته است: بینش درست نسبت به نظام هستی و کنش درست (ایمان و عمل صالح) در مقابل خدا: تقوا (حجرات: ۱۳)، خود (عدم ظلم به خود) (طلاق: ۱)، دیگران (احساس مسئولیت نسبت به دیگران و کمک به دیگران) (آل‌عمران: ۱۱۴) و طبیعت (حفظ طبیعت) (بقره: ۲۰۴). نوجوانان به هر علتی، چه نیازهای اجتماعی - روانی، چه کمبود دانش، چه تأثیرپذیری از تبلیغات بنگاه‌های اقتصادی و چه هم‌نوابی با هم‌سالان، به هنجارهای لحظه‌ای گرایش می‌یابند. وظیفه والدین این است که ملاک‌های ارزشمندی انسان و نقش این ملاک‌ها را در سعادت انسان به آنان یادآوری کنند.

بیان جایگاه اجتماعی - سیاسی نوجوان هنجارپذیر و هنجارگریز: قشر نوجوان در هر جامعه، به لحاظ جمعیت‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، دارای ارزش است. نوجوانان نیروهای فعال

جامعه و تعیین‌کنندگان وضعیت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه در آینده هستند. آنان می‌توانند با نوع حضور خود در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی و با تأیید و یا مخالفت خود، مسیر جامعه را تغییر دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۲۴۶). آنان با اهمیتی که دارند، در عرصه فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی یکسان ظاهر نمی‌شوند. برخی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی پایبندند و برخی دیگر ناهم‌نوا با هنجارها و ارزش‌ها عمل می‌کنند. مهم است به نوجوان گوشزد شود که هم‌نوایی و ناهم‌نوایی بر جایگاه اجتماعی او تأثیر می‌گذارد، و موقعیت فرد هنجارپذیر و هنجارگریز یکسان نیست (سجده: ۱۸). نوجوانان هنجارگریز، آماج برچسب‌ها، رفتارهای نابهنجار سازمان یافته و جایگاه اجتماعی متزلزل هستند (عباسی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴-۱۰۸). آنها در ابتدا، خطاهای اندک و قابل اغماض از خود بروز می‌دهند، تا اینکه به مرور زمان، ناهنجاری وجودشان را احاطه نموده، آنها را هرچه بیشتر در خطاها فرومی‌برد (بقره: ۸۱). و جزای رفتار نادرست آنها چیزی جز ذلت، حقارت و سیاه‌رویی نیست (یونس: ۲۷). در مقابل، افراد هنجارپذیر از حیث معنوی و اجتماعی، در جایگاه رفیع‌تر و محترمانه‌ای قرار دارند (نساء: ۳۱).

اعضای خانواده می‌توانند با بیان ارزشمندی هنجارپذیری، نوجوانان را به هم‌نوایی با هنجارهای مثبت اجتماعی ترغیب کنند و با ذکر پیامدهای ناگوار اجتماعی و فردی هنجارگریزی، نگرش آنان را نسبت به هنجارهای اجتماعی عمق ببخشند و تعلق خاطر آنان را به هنجارهای ناپایدار خرده‌گروه‌ها کم کنند.

ب. توجه به هنجارهای دینی: بخش قابل توجه هنجارهای اجتماعی، «هنجارهای رسمی» (Formal norms) است. «هنجارهای رسمی» هنجارهای مدونی است که مجازات‌های معینی برای تخلفی‌کنندگان لحاظ شده است. قوانین، مصداق بارز هنجارهای رسمی در جوامع به شمار می‌روند؛ هنجارهایی که مکتوب هستند و با ضمانت‌های اجرایی خاصی (تأیید رسمی برای رفتارهای مناسب و کیفر برای رفتارهای نامناسب) پشتیبانی می‌شوند (کنالد، ۲۰۱۱، ص ۸۳). در جوامع دینی، هنجارهای رسمی با احکام شرعی شناخته می‌شود و با ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفته شده از سوی دین حمایت می‌گردند. در نگرش اسلامی، هنجارهای رسمی بر محور احکام فقهی سامان می‌یابند. بنابراین، در این جوامع درونی‌سازی و تفاهم هنجاری بر محور هنجارهای رسمی (احکام و بایدها و نبایدهای فقهی) از ضروری‌ترین اقدامات تربیتی و اصلاحی به شمار می‌رود. به تعبیر دیگر، بدون فهم و تفاهم حداقلی بر سر احکام و دستورات دینی تفاهم هنجاری لازم، که برای نظم جامعه سودمند و برای

سعادت و تکامل جامعه ضروری است، هیچ‌گاه تحقق نمی‌یابد. در محیط خانوادگی، هم‌اندیشی بر محور بایدها و نبایدهای شرعی، روزنه‌ای به روی اعضای نوجوان و نوشکوفای خانواده می‌گشاید تا از طریق طرح، توجه و بازخوانی مستمر بایدها و نبایدها و دستورات رفتاری، به الگوهای ساخت‌یافته رفتاری دست یابند. برای دسترسی به این مهم، لازم است حلال و حرام شرعی در محیط خانواده بازخوانی و در قالب دانش و عمل تکرار گردد. نیز کارکرد نموده‌های الگوپذیری از این دست‌والعمل‌های شرعی توجیه شود.

بازخوانی حلال و حرام: چنان‌که یادآوری شد، در جامعه اسلامی، هنجارهای اجتماعی بر مدار احکام شرعی دور می‌زند. احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد دنیوی - اخروی و فردی - اجتماعی انسان سامان یافته است. امام رضا^{علیه السلام} می‌فرمایند: «اگر خداوند چیزی را حلال نموده در آن، صلاح و سلامتی بندگان نهفته است و افراد در زندگی خود، به آنها نیاز دارند، و اگر می‌بینیم که خداوند چیزی را حرام کرده زندگی افراد به آن وابسته نیست و مشاهده کرده‌ایم که در آن مفسده نابود کننده و هلاک کننده وجود دارد» (شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۲).

همان‌گونه که در روایت مزبور بدان اشاره شده، حلال و حرام شرعی تأمین‌کننده مصالح و مفاسد زندگی انسانهاست. فهم آنها و سازگاری زندگی خانوادگی و اجتماعی بر اساس آنها ضرورتی انکارناپذیر دارد. به خاطر نقش فهم حلال و حرام در زندگی است که معصومان^{علیهم السلام} به حفظ احادیث با محتوای حلال و حرام توصیه نموده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۴) و فهم حدیث را از داشته‌های مادی و دنیوی ارزشمندتر خوانده‌اند (همان، ص ۱۴۶).

نوجوان گاهی نسبت به هنجارهای دینی و مسائل شرعی به این علت کم‌توجه است که قبلاً چیزی در این باب نیاموخته و نسبت به ضرورت آنها و نقش آنها در زندگی فردی و اجتماعی توجیه نشده است و یا حتی والدین هنجارهای مذکور را در زندگی خانوادگی نادیده گرفته‌اند. بدین‌روی، لازم است در محیط خانواده، ضمن پای‌بندی به حلال و حرام شرعی، آن را برای نوجوان بازخوانی و ضرورت کارکردی و نقش فردی و اجتماعی آن را برایش توجیه سازند.

توجیه ضرورت کارکردی رعایت حلال و حرام در روابط اجتماعی: ناآشنایی با هنجارهای اسلامی نسبت به پوشش و آرایش و نحوه روابط میان‌فردی یکی از علل کم‌توجهی به هنجارهای اجتماعی در حیطه‌های ذکر شده است. توجه نکردن به احکام پوشش و آرایش سبب می‌شود که خانواده‌ها نسبت به روابط نوجوان و نحوه پوشش و آرایش آنها توجه کافی نداشته باشند. بحث «رعایت حلال و حرام در

روابط اجتماعی» به عنوان بحث «حجاب و عفاف» مطرح می‌گردد. غالباً اذعان دارند که رعایت حجاب و عفاف در عین اینکه جنبه‌ای هنجاری و اخلاقی دارد، آثار و پیامدهای اجتماعی نیز دارد. رعایت نکردن حجاب و عفاف زمینه‌ای برای به انحراف کشیده شدن جوانان در جامعه اسلامی (نخعی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰) و در پی آن، تزلزل و فروپاشی خانواده‌ها به شمار می‌رود. از نظر اسلام، رعایت حجاب و عفاف رستگاری فردی و اجتماعی را موجب می‌شود (نور: ۳۱). در نگاه اسلامی، رعایت حجاب و عفاف در نظام معیشتی اسلامی کارکردهای روانی (نظیر آرامش روانی، کاهش اضطراب و استرس) کارکردهای خانوادگی (همچون استحکام روابط خانوادگی، محدودیت کام‌یابی‌های جنسی به خانواده و همسران مشروع، وفاداری جنسی، ترغیب جوان به ازدواج و تشکیل خانواده و جلوگیری از گسست خانواده) و کارکردهای اجتماعی (همانند وجود نیروی فعال در جامعه، پویایی جامعه، تقویت غیرت جمعی و ارزش و احترام زنان در جامعه) را به دنبال دارد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۴۲۷-۴۴۰). غفلت از کارکردهای و پیامدهای حجاب و عفاف با توجه به محدودیت دانش و تجربیات نوجوان طبیعی است. از این‌رو، از والدین مسئول انتظار می‌رود که نسبت به آینده و هنجارپذیری فرزندان خویش حساسیت مذهبی داشته باشند؛ برای آنان کارکردها و کژکارکردهای رعایت حلال و حرام را بازگو کنند.

البته شبهاتی که در باب رعایت حلال و حرام در روابط اجتماعی و نیز استلزام بر حجاب و عفاف مطرح می‌شود نیز به طرز انکارناپذیری انگیزش و تعلل نوجوانان را موجب گردیده است؛ شبهاتی از این قبیل:

- آنچه به نام حجاب و عفاف و قلمرو حلال و حرام تبلیغ می‌شود مانع و ناقض آزادی فردی است.
 - رعایت کردن و نکردن حجاب و هنجارهای پوششی مسئله‌ای شخصی است که به دیگران مربوط نمی‌شود.
 - آنچه در روابط اجتماعی مهم است صاف بودن دل است، نه ظواهر بیرونی؛ همچون لباس و آرایش.
 - حجاب در عقده‌های جنسی ریشه دارد و حس مالکیت جنسی سبب سخت‌گیری نسبت به آن شده است.
 - سخت‌گیری در معاشرت اجتماعی سبب می‌شود که دختران جوان خواستگار نداشته باشند؛ یعنی رعایت حجاب مانع یافتن همسر مناسب برای دختران تلقی می‌شود.
 - جمود و تحکم در روابط اجتماعی نشانه رکود و عقب‌ماندگی است.
- شبهات مزبور را برخی جوانان و نوجوانان برای سبک‌دوش ساختن خود از محدودیت‌های

معاشرتی یا در واکنش به اظهارات افراد هنجارپذیر ابراز می‌دارند. در این میان، وظیفه خانواده است که زیربنای شناختی نوجوانان را تحکیم بخشند و اعطای بیش به آنها را در دستور کار تربیتی خود قرار دهند. هرچند شبهات پیش‌گفته سیاق فمینیستی و خاستگاه برون فرهنگی دارد، اما رویکرد تربیتی اسلامی اقتضا دارد که مریان از جمله والدین پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این شبهات داشته باشند.

بر اساس مبانی معرفتی و تربیتی اسلامی، انسان چه در ساحت‌های فردی و چه در ساحت‌های اجتماعی، آزادی مطلق ندارد، بلکه هم از حیث مسئولیت‌های مذهبی و هم از لحاظ محدودیت‌های زندگی اجتماعی، ملزم است برخی از محدودیت‌ها را، که حجاب و هنجارهای مربوط به معاشرت بخشی از آنهاست، بپذیرد. نپذیرفتن چنین محدودیت‌هایی نه تنها قلمرو آزادی جوانان را بیشتر می‌کند، بلکه تعارضاتی به وجود می‌آورد که مخل زندگی جمعی است. به همین سبب، رعایت کردن و نکردن هنجارهای مربوط به معاشرت حق شخصی نیست؛ بلکه بازتاب اجتماعی و فرهنگی دارد. بنابراین، اگر رعایت پایدهای معاشرت، موجب ایمنی و سکون در جامعه می‌شود، از خلال سکون و آرامش اجتماعی نیز پیشرفت و ترقی دست‌یافتنی خواهد بود.

در نهایت، یادآوری این مسئله درخور توجه است که از منظر اسلام، صحت و سلامت اعتقادی دو بال دارد: یکی سلامت قلبی (ایمان) و دیگری سلامت رفتاری (عمل صالح) (بقره: ۲۵، ۸۲، ۲۷۷) که هر دو در کنار هم و به صورت جایگزین‌ناپذیر مطرح شده است. ظاهر، بخشی از شریعت اسلام است که التزام به آن نشانه ایمان و صافی دل به شمار می‌آید (دهقانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۲۳۱؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱-۱۷۲؛ مهریزی، ۱۳۸۵، ص ۳۲، ۵۳، ۶۱).

۲. هم‌اندیشی در معیارهای انتخاب الگو: نوجوان نیازمند شناخت معیارهای الگوی مناسب است. اینکه نوجوان با چه معیارهایی الگوهای رفتاری خود را برمی‌گزیند، حایز اهمیت است. خصوصیتی که در الگوپذیری و الگودهی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، در آینده اجتماعی و سیاسی نوجوان اثر دارد. یک نوجوان سعادتمند آن است که معیارهایی را در نظر بگیرد که به فضیلت بینجامد و از معیارهایی که رذایل را موجب می‌شود دوری گزیند (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۱). بنابراین، سزاوار است در خانواده، پایدهای الگوپذیری مطرح شود و از این طریق، نوجوان از چند و چون و لوازم و پیامدهای الگوپذیری اطلاع یابد. خانواده با این کار، راه نوجوان را برای شناخت الگوهای مناسب رفتاری در عرصه‌های گوناگون فرهنگی - اجتماعی می‌گشاید و او از این طریق، به سعادت و کمال رهنمون می‌شود.

معیارهای الگوپذیری از منابع دینی قابل استخراج هستند. در اینجا، به «حسنه بودن»، «ارزش محور بودن» و «ثبات رفتاری الگو» اشاره می‌گردد:

الف. تفاهم بر حسنه بودن الگوپذیری: نوجوان به لحاظ روحیات و نوع روابط اجتماعی، ناگزیر است گروه‌ها و افرادی را به عنوان الگو بپذیرد. هم‌سالان، هنرپیشگان، ورزش‌کاران، شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و ملی الگوهایی هستند که نوعاً نوجوانان به آنان اقتدا می‌کنند. نکته شایسته توجه در هم‌اندیشی والدین - نوجوان این است که والدین و نوجوان باور داشته باشند که تقلید از هر الگویی آینده سیاسی و اجتماعی نوجوان را تضمین نمی‌کند. همان‌گونه که در آیات قرآن اشاره شده است، الگو باید نیکو «اسوه حسنه» باشد (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶). قید «حسنه» گویای این واقعیت اجتماعی و تاریخی است که الگو و الگودهی و الگوپذیری، هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی؛ یعنی انسانها هم از افراد درست و شایسته تقلید می‌کنند و هم از افراد ناپه‌نجان و بدسیرت. بر سمت و سوی مثبت داشتن الگوگیری و تأثیرپذیری از شخصیت‌ها در آموزه‌های دینی تأکید شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که مردم را به الگوپذیری از پیامبر فرامی‌خوانند، به پاکی و طهارت آن حضرت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «به پیامبر، پاک‌ترین و شایسته‌ترین فرد، اقتدا کنید. قطعاً راه و رسم او الگویی است برای الگوطلبان، و مایه فخر و بزرگی برای کسی که خواهان بزرگواری باشد. و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که به پیامبرش اقتدا کند، و گام بر جای گام او نهد» (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۸).

خوب است در محیط خانواده، این اصل معاشرتی برای همه توجیه شود و همه درباره آن به توافق برسند که بنابر اقتضای منش اجتماعی، و آینده‌نگری، نباید از هر گروه و هر نوع شخصیتی الگو پذیرفت. الگوپذیری از کسانی نوجوان را به سوی سعادت هدایت می‌کند که شخصیت نیکو، رفتار نیکو و وجهه نیکو داشته باشد. به همین خاطر، دل‌بستن به شخصیت‌های ناموجه و پی‌روی از افراد نامطمئن نوجوان را از سعادت و خوش‌بختی دنیوی و اخروی دور می‌کند (بقره: ۲۵۷).

ب. تفاهم بر ارزش محور بودن الگوپذیری: فرایند الگودهی و الگوپذیری فرایندی نسبتاً پیچیده و متأثر از خرده‌فرهنگ‌هایی است که خانواده نوجوان بدان تعلق دارد. به بیان رساتر، الگوپذیری تابع «زیست جهان» خانوادگی نوجوان است. بدون تردید، شخصیت اجتماعی والدین طبقه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، محل سکونت و خانواده‌هایی که با آنها معاشرت می‌کنند و عوامل بسیار دیگر در فرایند الگوپذیری و الگودهی نقش دارد؛ اما بنابر رویکرد اسلامی، این مسئله با وجود آنکه واقعیت دارد، به معنای مجبور بودن خانواده‌ها و خود نوجوانان در پیمودن فرایند از پیش تعیین شده نیست. از

نظر اسلام، معیار توجیه‌پذیری الگوپذیری «ارزش محور بودن الگوپذیری» است (ممتحنه: ۴). آن‌گونه که از شواهد دینی برمی‌آید، در الگوپذیری، نه خویشاوندی و رابطه خونی اهمیت دارد و نه آشنایی و ظاهر مردمی، بلکه آنچه مهم است مسئله نزدیک شدن به ارزش‌ها از طریق الگوپذیری است. با این وصف، مسئله حایز اهمیت برای خانواده‌ها این است که با هم‌اندیشی در مسائل ارزشی، بنیانهای اعتقادی نوجوان را تقویت کنند و ظرفیت درونی آنها را در ملاحظه ارزش‌های انسانی و الهی ارتقا بخشند. اگر چنین نکنند نوجوانان در انتخاب الگو و نحوه الگوپذیری دچار اشتباه خواهند گردید و با انتخاب الگوهای نامناسب، در مسیر نادرست قرار خواهند گرفت (انفال: ۷۳).

ج. تفاهم بر ثبات رفتاری و شخصیتی الگو: الگوپذیری نوجوانان اگر از سر تمایلات فردی و خودنمایانگری صورت گیرد، با هنجارهای ثابت اجتماعی ناسازگار خواهد بود. علت عمده این مسئله آن است که الگوهای نوجوانان در نوسان و هنجارهای به دست آمده از الگوپذیری، هنجارهای زودگذر و خلق‌الساعه هستند. همین مسئله پژوهشگران اجتماعی را واداشته است تا با مسئله اجتماعی «مدگرایی» مواجه باشند. الگوپذیری از روی هوس، در طول زمان، پدید می‌آید و به آرامی رشد می‌کند و در زمانی به اوج می‌رسد و سرانجام، رو به زوال می‌گذارد و از بین می‌رود. این نوع الگوپذیری در یک چرخه همیشگی سیر می‌کند؛ یعنی الگویی با تبلیغ رسانه‌ها، عوامل اقتصادی و خرده‌فرهنگ‌ها پدیدار می‌شود و الگوی قبلی را به محاق می‌برد و پس از مدتی، جای خود را به الگوی جدید پوششی و منشی می‌دهد (رفعت‌جاء، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲). اگر این فرایند ادامه یابد هنجارهای جامعه شکسته شده، فرهنگ مردم جامعه عریان و در تضاد با ارزش‌های انسانی و بومی سیر خواهد کرد (حداد عادل، ۱۳۷۲، ص ۳۳-۴۷).

آنچه نوجوان را در این باب بیش از همه کمک می‌کند توجه به آسیب‌های ناپایدار الگوهای لحظه‌ای و لزوم ثبات در الگوها و هنجارهای اجتماعی است. چنان‌که در قرآن اشاره شده است، الگوپذیری از سر هوس و با معیارهای فردی ثبات و استحکام نخواهد داشت (عنکبوت: ۴۱). ترغیب مردم به الگوپذیری از شخصیت‌های تاریخی و مذهبی، که از سوی دین و معصومان علیهم السلام بر آن تأکید شده است، به همین جنبه (ثبات در الگوپذیری) اشاره دارد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: من در منش سیاسی، از حضرت نوح، ابراهیم، لوط، موسی و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگو گرفتم (حلی، ۱۹۸۲، ص ۳۲۹) بنابراین، در محیط خانوادگی، توجه به ثبات شخصیتی الگوها از اهمیتی مضاعف برخوردار است.

۳. هم‌اندیشی در تعدیل انگیزش‌های الگوپذیری: در پیوستن نوجوانان به گروه‌ها و پی‌روی از گروه‌های مرجع، انگیزه‌های گوناگونی به چشم می‌خورد. نوجوانان به بهانه‌های گوناگونی همچون مد روز بودن، مهم جلوه‌گر شدن، کشش‌ها و علائق به هم‌نوایی با گروه‌های مرجع اقدام می‌کنند. والدین با تعدیل انگیزه‌های نوجوانان، می‌توانند زمینه دسترسی نوجوانان به الگوهای مناسب رفتاری هموار سازند. مهم‌ترین چالش الگوپذیری انسان عمل کردن بر اساس عواطف و احساسات و نادیده انگاشتن داشته‌های عقلانی و دستورات دینی است. طبق آیات قرآن، برخی افراد کسانی را الگو قرار می‌دهند که علائق عاطفی شدیدتری نسبت به آنها دارند (مانده: ۱۰۴) و یا بر اساس مصالح مادی در این زمینه تصمیم می‌گیرند (توبه: ۳۱)، در حالی‌که اگر به اوامر شرعی و یا میزان عقلانی بودن رفتار الگو توجه کنند آنها را به عنوان الگو نخواهند پذیرفت. راهبردهایی برای برون‌رفت از وضعیت ناپدار انگیزشی پیشنهاد می‌گردد که «بازنمایی بسترهای عقلانی در الگوپذیری» و «هدفمندی الگوپذیری» از آن جمله است:

الف. بازنمایی بسترهای عقلانی الگوپذیری: فارغ از عوامل بیرونی (عوامل اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای)، انگیزش‌های درونی نوجوان نیز در نوع الگوپذیری نقش دارد. عواملی همچون اشتیاق به تحسین‌برانگیزی، گرایش به خودبیانگری، عقده‌گشایی، هوس‌رانی، و میزان اطلاعات در الگوپذیری تأثیر می‌گذارد (نخعی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱-۱۳۰). اما بنابر قراین دینی، الگوپذیری هنگامی به سعادت و هدایت رهنمون می‌شود که احساسی نبوده و از سر سنجش عقلانی صورت گرفته باشد. حضرت علی علیه السلام رویارویی خرد و بی‌خردی را از ویژگی‌های بارز نوجوانی برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «تا هجده سالگی، مدام عقل و بی‌خردی در ستیزند و هنگامی‌که نوجوان به هجده سالگی پا نهد، هر کدام از دو نیروی درونی فزونی می‌گیرد و اعمال و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۶).

چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام بیان داشته‌اند، کشاکش خرد و بی‌خردی در رفتار نوجوان به تردید نوجوان در گزینش الگوهای رفتاری می‌انجامد و چه‌بسا زمینه گزینش خردمندانه از بین برود و نوجوان به سمتی گرایش یابد که از سر احساسات و عواطف تصمیم بگیرد، نه عقل و منطق. از نظر اسلام، الگوپذیری از سر احساسات و عواطف مردود و گمراه‌کننده تلقی شده است. در قرآن، کسانی‌که از سر عواطف معیارهای دینی را نادیده گرفته، الگوی خود را یافته‌های خود از زندگی پدران و گذشتگان خویش ذکر می‌کنند، شماتت شده‌اند و گوشزد شده است که پدران آنها بسیاری از ارزش‌ها را نمی‌دانسته‌اند و پی‌روی از شیوه زندگی آنها هدایت به ارمغان نمی‌آورد (بقره: ۱۷۰؛ مائده: ۱۴۰). علت اصلی ناصواب شمرده شدن الگوپذیری از آبا و اجداد چیزی جز الگوپذیری بر اساس تعلق خاطر به

آنها، هدایت‌بخش نبودن این الگوپذیری و رفتار نابخردانه الگو (آبا و اجداد) نیست. برای معیارمند ساختن الگوپذیری نوجوان، شایسته است به نوجوان تفهیم گردد که به این سه مسئله (احساسی نبودن، هدایت‌بخش بودن و عقلانیت رفتار الگو) در الگوپذیری توجه نماید. برای سعادت نوجوان، همین بس که سعی کند الگوپذیری‌اش بر اساس هوا و هوس نباشد و توجه کند که از هدایت‌بخش بودن الگوپذیری و هدایت‌شدگی الگو غفلت نکرده است.

تقویت ابعاد عقلانی الگوپذیری نوجوان از طریق بازنمایی سرنوشت افرادی که از سر احساسات عمل کرده‌اند و زیان دیده‌اند و همچنین مقایسه وضعیت شخصیتی الگوپذیران احساسی و عقلانی امکان‌پذیر است. این راه‌کاری است که قرآن مطرح کرده. در آیه ۹۰ و ۹۲ سوره اعراف، پس از مقایسه علائق پیروان حضرت شعیب علیه السلام و مخالفانشان، گوشزد شده است که پیروان کفار و مخالفان حضرت شعیب علیه السلام زیان دیدگانند. این تذکر بدان معناست که انسانها به خاطر گرایش شدید روانی به زیان‌گریزی، از آنچه سبب زیان آنها می‌شود، دوری می‌جویند. بنابراین، زیربنای عقلانیت الگوپذیری همان «مقایسه و بازنمایی آسیب‌های احتمالی ناشی از الگوپذیری کورکورانه و نسنجیده» است.

ب. تأکید بر هدفمند بودن الگوپذیری: در مکتب تربیتی اسلام، الگوپذیری غایتمند و معطوف به اهدافی است که زندگی دنیوی و اخروی فرد را بهبود می‌بخشد. در آیات قرآن، برخی الگوپذیری‌ها به سبب معطوف به اهداف ارزشی نبودن، نادرست خوانده می‌شود. در آیات پیش‌گفته (بقره: ۱۷۰؛ مائده: ۱۰۴) الگوپذیری از گذشتگان قوم به این سبب رد می‌شود که این نوع الگوپذیری هدایت‌بخش نیست. بنابراین، از استدلال قرآن برمی‌آید که الگوپذیری و الگودهی باید هدایت انسان را تأمین کند. آن‌گونه که در آیه ملاحظه می‌شود، عملکرد عاقلانه و عالمانه الگوها معرف «هدایت‌بخشی» الگوپذیری معرفی شده است؛ یعنی اگر خود الگو رفتار خردمندانه و با حساب و کتاب باشد، شایسته تقلید و پی‌روی است. در غیر این صورت، الگوپذیری نه‌تنها سعادت‌بخش نخواهد بود، بلکه موجب دور شدن از مسیر هدایت و سرعت یافتن سقوط انسان خواهد گردید. هدفمندی الگوپذیری در مجموعه نظام ارزشی اسلام، قابل توجه است، و اهداف بزرگ دینی قطعاً اهدافی است که در الگوپذیری مد نظر قرار می‌گیرد؛ اما به تناسب بحث (تربیت نوجوان)، اهدافی چند از آیات و روایات قابل استخراج است که جا دارد در هم‌اندیشی نوجوان - خانواده مورد توجه قرار بگیرد:

برجسته‌سازی الگوپذیری در سبک زندگی: تأثیر الگوپذیری و تقلید از گروه‌های مرجع ابعاد زندگی نوجوان را تحت پوشش قرار می‌دهد. نمودهای ابعاد الگوپذیری در سبک زندگی بروز و ظهور می‌یابد.

یک نوجوان با تأثیرپذیری از گروه مرجع و الگوی خود، نوع لباس، نحوه آرایش، طرز سخن گفتن، شکل راه رفتن، لوازم شخصی و روابط اجتماعی خود را برمی‌گزیند.

در منابع دینی، به سبک زندگی در الگودهی توجه شده است. امام علی علیه السلام در الگودهی، بیش از همه بر سبک زندگی تأکید می‌ورزیدند. عمرو بن قیس می‌گوید: روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که شلوار درشتی بر تن دارد که آن را به پنج درهم خریده و آن لباس وصله‌دار است. کسی به حضرت عرض کرد که این لباس در شأن مقام ایشان نیست. حضرت در پاسخ یادآور شدند: «این لباسی است که مؤمن آن را برای خود الگو قرار می‌دهد. این لباس، خشوع قلب و افتادگی به همراه می‌آورد و افراد ولخرج در صدد صرفه‌جویی برمی‌آیند» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۱۷). ساده‌پوشی، فروتنی و صرفه‌جویی در زندگی عناصر کلیدی در سبک زندگی اسلامی هستند. پس نتایج بنیادین الگودهی باید معطوف به اصلاح سبک زندگی افراد باشد. بر اساس حدیث دیگری از آن حضرت، الگوی خردمندانه آن است که سه شاخص داشته باشد: ۱. زندگی دنیوی را سامان بخشد. ۲. مسیر آخرت را هموار سازد. ۳. تفریح و لذت حلال را تأمین کند (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۵). روی هم رفته، لازم است در هم‌اندیشی خانوادگی، از این نکته غفلت نشود که الگودهی باید در جهت سبک زندگی اسلامی سامان‌دهی شود.

بیان ضرورت در نظر گرفتن مصالح اخروی و دنیوی در الگوپذیری: در نگرش اسلامی، الگوپذیری و الگودهی فقط با مقیاس‌های دنیوی تعیین نمی‌گردد، بلکه جهات اخروی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. در آیات ۶ سورة مبارکه ممتحنه و آیه ۲۱ سورة مبارکه احزاب تصریح شده است که الگوپذیری در جهت رسیدن به خداوند و هموار ساختن مسیر وصول به آخرت است. سیره پیامبر به عنوان الگوی رفتاری جامعه اسلامی نیز این نکته را تأیید می‌کند که توجه صرف به امور دنیوی در الگوپذیری، سعادت انسان را تأمین نمی‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره توضیح می‌دهند: «برای شما کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگو قرار دهید، تا راه‌نمای خوبی برای شما در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد؛ زیرا دنیا از هر سو بر پیامبر صلی الله علیه و آله بازداشته و برای غیر او گسترانده شد؛ از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن فاصله گرفت» (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۹).

چنان‌که در توضیحات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، جنبه‌های اخروی بیش از جنبه‌های دنیوی در الگوپذیری اهمیت دارد. به علت در نظر داشتن مسائل مادی و دنیوی در الگوپذیری است که الگوپذیران انگشت اتهام خود را به سمت الگوهای رفتاری‌شان نشانه رفته و آنها را در خطاهای مستمر

و نابخشودنی خود، مقصّر می‌شمارند (اعراف: ۳۸). اظهار پشیمانی از الگوپذیری در صورتی به حداقل می‌رسد که در الگودهی و الگوپذیری، هم مصالح دنیوی در نظر گرفته شود و هم مصالح اخروی. هر دو جنبه به صورت هم‌بافته، سعادت دنیوی و اخروی را برای الگوپذیر به ارمغان می‌آورد.

ب. مدیریت الگوپذیری با هم‌نشینی‌سازی (معاشرت و مصاحبت)

یکی از راهبردهای سامان‌دهی الگوپذیری نوجوان، معاشرت و مصاحبت با خانواده‌ها و شخصیت‌های موجه اجتماعی و از خلال معاشرت، آشناسازی نوجوان با مراجع فکری، اطلاعاتی و رفتاری است. بر اساس روایات معصومان علیهم السلام، یکی از راه‌های تقویت تجربه‌های نوجوان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مصاحبت و تعامل آنها با افراد باتجربه و سرد و گرم‌چشیده روزگار است؛ افرادی که هم از حکمت کافی و هم از دانش وافیه برخوردار بوده و از راه پر پیچ و خم زندگی به سلامت عبور کرده باشند. هم‌نشینی با چنین افرادی کم‌هزینه‌ترین راه برای دستیابی به گنج ارزشمند تجربی افراد مجرب و خودساخته است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۳۵). هم‌نشینی با افراد خودساخته، علما و اندیشمندان موجب افزایش دانش، تجربه، وفار، احیای قلب، سلامت روحی و روانی، کمال عقل، بزرگ‌منشی، بیداری خرد، سلامت نفس، حسن ادب، پاک‌نفس و روشنی بینش سیاسی و اجتماعی می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۹-۴۳۲).

در تأثیر معاشرت بر سامان‌دهی و اصلاح الگوپذیری، جای هیچ تردیدی نیست، اما در اینکه خانواده به عنوان محمل تربیت، چگونه زمینه مجالست نوجوان و افراد خودساخته را فراهم سازد، جای بحث وجود دارد. نکاتی به عنوان راه‌های دست‌رسی خانواده به این مهم ذکر شده که «ارتباط با مساجد و مراکز مذهبی»، «مراودات سامانمند خانوادگی» و «مشارکت در مراسم مذهبی» از جمله آنهاست.

۱. ارتباط با مساجد و مراکز دینی: مسجد در تاریخ اسلام، نقش‌های سیاسی و اجتماعی زیادی ایفا کرده است. از اوایل اسلام تا روزگار ما، مسجد علاوه بر اینکه عبادتگاه مؤمنان بوده، محل آموزش، تصمیم‌گیری‌های بزرگ، شورها و خیزش‌ها بوده و غالباً، پاتوق افراد متدین، مذهبی و خودساخته است؛ افرادی که به لحاظ آداب اجتماعی و خودساختگی اخلاقی بهتر از دیگران ظاهر می‌گردند. مسجد و مراکز دینی با ایجاد آشنایی و پیوند میان افراد حاضر در مسجد، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی، اجتماعی آنها را فراهم می‌کند (ضرابی، ۱۳۷۹، ص ۶۲).

تأثیر ارتباط با مساجد بر الگوپذیری نوجوان شواهد روایی فراوانی دارد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله پس از بیان جداناپذیری قرآن و عترت، گوشزد می‌نمایند که قرآن و مساجد از هم جدا نیستند و کسانی که

قرآن را دوست دارند مساجد را نیز دوست دارند؛ زیرا مساجد جایگاه خاصی در اسلام دارند؛ هم به لحاظ ساختمانی با دیگر ساختمانها تفاوت دارند و هم به لحاظ معنوی. مسجد برکت می‌آورد. کسانی که با مسجد ارتباط دارند از بیشتر آسیب‌ها و آفت‌ها محفوظند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۵۵).

امام حسن علیه السلام کارکردهای اصلاحی مساجد را چنین برمی‌شمارد: «کسی که در رفت و آمد به مسجد استمرار ورزد به یکی از این هشت ویژگی دست می‌یابد: (۱) نشانه‌های استوار اعتقادی؛ (۲) دوست و برادر به درد بخور؛ (۳) دانش کیمیا؛ (۴) رحمت مورد انتظار؛ (۵) سخن هدایت‌بخش؛ (۶) سخن بازدارنده از انحراف؛ (۷) ترک گناه از سر حیا؛ (۸) ترک گناه از سر ترس» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵).

از حیث تربیتی، ایمن‌سازی با این سازوکار تحقق می‌یابد که مراکز مذکور زمینه‌آشنایی با شخصیت‌های مذهبی و فعالان سیاسی - اجتماعی و نیز افراد خودساخته اخلاقی را فراهم می‌کند. از این رو، خانواده با ارتباط مستمر با این مراکز، کودکان و نوجوانان را با منبع تربیتی ارزشمندی مرتبط می‌سازند.

۲. مرادۀ نظام‌یافته خانوادگی: در اسلام، بر رفت و آمد تأکید شده است. بهترین دلیل برای اهمیت این رفتار اجتماعی، تأکید مزید اسلام بر صلۀ رحم، عیادت از مریض، جویا شدن احوال دیگران و همکاری است. مرادۀ و معاشرت یک ضرورت اجتماعی است؛ یعنی زندگی اجتماعی مرادۀ و معاشرت با مردم را ناگزیر می‌سازد. اقتضای زندگی اجتماعی این است که با مردم مرادۀ داشته باشیم. همه در زندگی اجتماعی و مدنی خود، به دیگران نیازمندند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۵). مرادۀ صرفاً اتلاف وقت و پرکردن اوقات فراغت نیست، بلکه کارکردهای اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. بنا به فرمودۀ امیرالمؤمنین علیه السلام مرادۀ لیوانی پر است که دو سوم آن محبت و نیکی کردن و تنها یک سوم آن پرکردن اوقات فراغت است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۷). از این حیث، جا دارد از معیارهای گزینش طرف مرادۀ خانوادگی، بایسته‌های مرادۀ خانوادگی و سهم بودن نوجوانان در مرادۀ خانوادگی بحث شود.

الف. مرادۀ ضابطه‌مند: فارغ از تأکید آیات و روایات، به اجمال، تجربیات شخصی افراد ضرورت معاشرت و رفت و آمد را تأکید می‌کند. همه قبول دارند که لباس انزوا بر قامت انسان اجتماعی سزاوار نیست و باید محیط اجتماعی را در سطح فردی و خانوادگی، سرشار از تعاملات همیارانه و مهرورزانه کرد. در این میان، چیزی که جای تأمل دارد این است که به لحاظ تربیتی، نوع مرادۀ و افرادی که با آنها رفت و آمد می‌شود مهم‌تر از خود رفت و آمد است؛ یعنی مهم است توجه شود که معیار گزینش

معاشران چیست؟ با چه خانواده‌هایی باید رفت و آمد کنیم؟ و از مرادۀ، با کدام دسته از خانواده‌ها خودداری کنیم؟

بر اساس مشاهدات عرفی و روزمره، مرادۀ خانوادگی افسارگسیخته زیان‌آور است. به تعبیر قرآن، افرادی هستند که رفت و آمد را محمل خیانت خود می‌سازند (ص: ۲۴). بر اساس آیات و روایات، رفت و آمد با کسانی شایسته است که ارزش‌های دینی و انسانی در رفتارشان تبلور یافته، و در مقابل، مرادۀ با کسانی که به ارزش‌های ذکر شده پایبند نیستند، شایسته نیست. بر پایه همین معیار کلی، بر مرادۀ با متدینان، صلحا، نیکوکاران و افراد موخه تأکید گردیده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۶؛ سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۰، ص ۲۱؛ ص: ۲۴) و از مرادۀ با دروغ‌گویان، شرارت‌پیشگان، گنه‌کاران و سبک‌سران نهی شده است (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۸؛ سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۱؛ حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۹). بر اساس همین معیار کلی است که در فرمایش امام باقر علیه السلام در خصوص مرادۀ با معیار پول و سطح مادی زندگی تذکر داده شده و تأکید شده است که انتخاب مرادان بر پایه ثروت مادی، ممکن است در خلال معاشرت، ذهنیت شما و خانوادۀ شما را به زندگی تغییر دهد و شما از نداشته‌های خود بغض کنید و نعمت‌های ارزشمند الهی را که در اختیار دارید و از آنها بهره می‌برید، نادیده انگارید و یا حتی انکار کنید (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۶).

چنان‌که از استدلال امام پیاداست، رویکرد اسلام به ضابطه‌مندی مرادوات، فقط رویکرد اخلاقی نیست، بلکه رویکرد اجتماعی و کارکردی است؛ بدین معنا که رفت و آمد با هر قشری و تعامل با هر خانوادۀ الزامات و پیامدهایی دارد؛ پیامدهایی که بر زندگی افراد اثر می‌گذارد. حضرت امام علی علیه السلام نوع معاشرت و شخصیت معاشران را در موقعیت اجتماعی خانواده‌ها اثرگذار دانسته، فرموده‌اند: «هر خانه‌ای را شرافتی باید. بزرگی مساحت خانه و معاشران صالح جزو شرافت خانه است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۶) و چنان‌که حضرت یادآور شده‌اند، معاشرت صالحان در خانه، شرف و عزت خانه به شمار می‌رود. شرف بودن معاشرت خانوادگی با صالحان، هم ارزش اجتماعی دارد، یعنی سبب و جاهت صاحب‌خانه می‌گردد و هم ارزش تربیتی دارد، یعنی در ضمن معاشرت، بسیاری از الگوهای رفتاری صلحا به اهالی خانه انتقال می‌یابد.

کم‌توجهی به معیارهای معاشرت ممکن است آسیب‌های غیر قابل انتظار تربیتی را بر خانواده تحمیل کند. امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش محمد حنفیه در خصوص آسیب‌های معاشرت چنین تذکر

می‌دهند: «از بهره‌های نیک انسان، همنشین صالح است. با اهل خیر همنشین باش تا از ایشان باشی. از اهل شرّ و کسانی که تو را با کلمات زیبای باطل و سخنان بیهوده به هم بافته، از یاد خدای عزّ و جل و از یاد مرگ بازمی‌دارند دور باش تا از آنها نباشی (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۵).

آن حضرت در جای دیگر، معاشرت با انسان‌های سبک‌سر را عامل اصلی فساد اخلاق معرفی می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۰). امام صادق علیه السلام نیز یکی از خاستگاه‌های توسعه بزه‌کاری در جامعه را معاشرت با بزه‌کاران برمی‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۱). در مجموع، تمام حرف و حدیث‌ها به این بازمی‌گردد که رفت و آمد بی‌حساب و کتاب آسیب‌زاست و معاشرت هنگامی می‌تواند برآیند تربیتی مثبت داشته باشد که با در نظر داشتن معیارهای بنیادین صورت گیرد. اگر این‌گونه باشد آنگاه رفت و آمد محملی برای انتقال ارزش‌ها، هنجارها و آداب اجتماعی به نسل‌های آتی خواهد گردید.

ب. **مراوده هنجارمند:** معاشرت - چنان‌که معیارهایی دارد - ضوابط و قواعدی نیز دارد. معاشرت وقتی مفید و عامل انتقال ارزش‌ها و هنجارهاست که خود معاشرت هنجارمند باشد. هرچند متأسفانه امروزه معاشرت‌های خانوادگی گاهی نابهنجار ظاهر می‌شود و محرمیت شرعی (به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عنصر در هنجار اسلامی معاشرت خانوادگی) به آشنایی و روابط خویشاوندی تقلیل می‌یابد، اما آگاهی‌بخشی افراد از حدود و ثغور روابط و امکان هنجارمند ساختن معاشرت‌ها با دانش‌افزایی در حیطه کارکردهای تربیتی و آسیب‌های اجتماعی معاشرت خانوادگی، می‌تواند رفت و آمدها را به عامل هدایت تبدیل کند.

ضرورت رعایت هنجار بار تربیتی دارد؛ زیرا کودکان و نوجوانان از طریق رفت و آمدهای خانوادگی، آداب معاشرت، منش اخلاقی و یا بدرفتاری و بزه را یاد می‌گیرند. به همین سبب است که نکاتی در اخلاق معاشرت اسلامی ذکر شده که نقش‌های تربیتی بارزی دارد. در حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام معاشرت با تذکر به عیوب اخلاقی همدیگر و اخلاص درونی قرین شناخته شده است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹). این فراز امام حاوی این نکته تربیتی است که در خلال معاشرت درست، طرف‌های معاشرت نسبت به برخورد و رفتار همدیگر خنثا و بی‌توجه نیستند.

نکته مهم دیگر در معاشرت‌های آموزنده این است که حریم‌ها در اثر روزمرگی تعاملات، کم‌رنگ، نشده و روابط خانوادگی بر اساس احترام به همدیگر و آداب و رسوم طرفین برقرار می‌گردد (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۶۸). بنابراین، آنچه مورد نظر است تأثیر معاشرت نیکو در قالب روابط خانوادگی بر رفتار و

عملکرد فرزندان خانواده است. اگر روابط بر اساس موازین شرعی و اصول اخلاقی باشد، برآمدهای تربیتی و معنوی آن نیز چشمگیر، و در غیر صورت، زیان‌بار خواهد بود.

ج. **مراوده فراگیر:** رفت و آمدهای خانوادگی علاوه بر آثار تکوینی، برکات اجتماعی نیز دارد. کودکان و نوجوانان با معاشرت خانوادگی و حضور در مراسم و دعوت‌های خویشاوندی، با دنیای بزرگ‌تر آشنا می‌شوند. آنها از خلال نشست و برخاست‌ها، به گنجینه‌های پنهان اخلاقی و معاشرتی دست می‌یابند. در این میان، برخی خانواده به بهانه‌های گوناگون (اعم از درس، شلوغ‌کاری، برگشت سریع و یا تنبلی) از بردن کودکان و نوجوانان در مهمانی‌ها و ضیافت‌های دوستان و خویشاوندان و آشنایان سرباز می‌زنند، در حالی‌که بر اساس صراحت روایات، باید والدین با بردن فرزندان خود، در مراسم‌ها و ضیافت‌ها، بر تجربیات اجتماعی آنها بیفزایند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «فرزندتان را در هفت سال سوم با خود به همراه ببرید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۶). در حدیث دیگری به همین مضمون، از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: «کودک خود را تا رسیدن به شش سالگی، به دوش حمل کنید، سپس شش سال دیگر کتاب الهی و احکام شرعی بیاموزید، و سپس هفت سال دیگر او را با خود ببرید و آن‌گونه که می‌خواهید تربیت کنید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶).

آن‌گونه که حضرت بیان نموده‌اند، به همراه بردن کودک راه تربیت ویژه شما بر نوجوان را هموار می‌سازد. شاید حکمت گفته مزبور این باشد که نوجوانان به سبب روحیه سرکشی که دارند در خانه، درس‌های اخلاق تکراری والدین را بر نمی‌تابند و بردن آنان به مجامع، هم نگرش آنان را به پیرامون عوض می‌کند و هم در خلال ملازمت‌ها، فرصت‌هایی طلایی نصیب والدین می‌شود که هدایت‌های پدرانه و مادرانه خود را به فرزند منتقل نمایند.

روابط خانوادگی بخشی از روابط عام اجتماعی است. چنانچه والدین در روابط خانوادگی و دعوت‌ها و ضیافت‌ها، فرزندان را به همراه ببرند، در سایر حوزه‌های روابط اجتماعی نیز این حکم جاری است. مگر نه چنین است که حضرت ابوطالب همین الگو را در تربیت پیامبر به کار گرفت و ایشان را در مسافرت‌ها با خود به همراه می‌برد تا دانش و تجربیاتش بیشتر و شخصیتش مستحکم‌تر گردد؟ (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۷۰) در سیره امام علی علیه السلام نیز آمده است که حضرت وقتی به بازار می‌رفتند یکی از فرزندان‌شان را با خود به بازار می‌بردند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۲۲).

۳. **شرکت در مراسم مذهبی:** یکی از راه‌های مدیریت الگوپذیری نوجوان مشارکت در مراسم مذهبی است. حضور در مراسم مزبور، پیامدهای تربیتی فراوانی دارد. مهم‌ترین آن رونق بخشیدن به آیین‌های

اخلاقی و فرهنگی سالم مدد می‌رسانند. خانواده می‌توانند از طریق اطلاع‌رسانی و معرفت‌بخشی در زمینه ملاک‌ها و معیارهای هنجارهای درست اجتماعی، نقد منطقی هنجارهای خلق‌الساعه (مد)، و پیامدهای مثبت و منفی هنجارپذیری و هنجارگریزی، با نوجوان به تفاهم برسند. تفاهم بر سر محورهای بنیادین در الگوپذیری نظیر معیار انتخاب الگو، ثبات شخصیتی الگو، هدفمندی الگوپذیری و در نظر داشتن سعادت دنیوی و اخروی در الگوپذیری بایی می‌گشاید تا والدین از گردنه حساس نوجوانی و گرایش‌ها و تعلقات این مرحله سنی به خوبی عبور کرده، سلامت نوجوان و در نهایت، سلامت جامعه را رقم بزنند.

مذهبی و تقویت انگیزش افراد است. در ضمن مراسم مذهبی، عواطف انسان برای انجام مراسم عبادی و پای‌بندی به اعمال دینی تحریک می‌گردد. امام رضا علیه السلام علت نماز جماعت را رونق گرفتن توحید و اخلاص معرفی نموده، تعاون، کنترل و حصول تقوا را بخشی از کارکردهای آن ذکر نموده‌اند. آن حضرت علت تشریح نماز جماعت را چنین بیان می‌دارند: «اگر از فلسفه تشریح نماز جماعت پرسیده شود، در جواب باید گفت: جماعت برای این قرار داده شده است که اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خدا آشکار، علنی و پررونق گردد؛ زیرا آشکار کردن آن حجتی بر اهل شرق و غرب برای خداوند یکتاست... علاوه بر آن نماز جماعت زمینه کمک به یکدیگر در کارهای خیر و تقوا و بازداشتن از گناهان الهی را فراهم می‌نماید» (شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۲).

در مجموع، مراسم دینی سبب می‌شود که تعاون و تکافل شکل بگیرد و نظام کنترل اجتماعی استحکام یابد. حضور خانواده در نماز جماعت و بردن فرزندان به نماز جماعت، سبب می‌شود که جوان با الگوی رفتاری در زمینه‌های تعاون و تکافل آشنایی یابد و سازوکار کنترل اجتماعی را با جان و دل لمس کند. نماز جماعت نمونه‌ای است از دیگر مراسم مذهبی نظیر زیارت قبور معصومان علیهم السلام و مراسم عزاداری برای ایشان. در تمام مراسم مذکور، الگوهای رفتاری شرکت‌کنندگان معرفی می‌شود و از این طریق، اندوخته‌های معرفتی و تجربی نوجوان فزونی می‌یابد و بستر هدایت و تربیت وی امکان‌پذیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مباحث انجام شده، به دست می‌آید که الگوپذیری در نوجوانان یک امر طبیعی و مسبوق به اقتضائات زیستی و اجتماعی است. واکنش‌های احساسی والدین نسبت به الگوپذیری نوجوانان، به سستی روابط خانواده و نوجوان دامن می‌زند و اغماض بی‌حساب و کتاب آنها نسبت به الگوپذیری، موجب انحراف نوجوانان از مسیر سلامت و سعادت می‌شود. موضع درست در باب الگوپذیری نوجوان، این است که والدین با خودداری از افراط و تفریط، پدیده الگوپذیری را مدیریت و سامان‌دهی کنند.

معاشرت و روابط نظام‌مند خانوادگی و همچنین هم‌اندیشی و تفاهم با نوجوان بر سر محورهای اساسی و بنیادین در الگوپذیری، مسیر گرایش نوجوان به الگوپذیری را به سمت تکامل هدایت می‌کند. والدین با برقراری ارتباط با خانواده‌های سالم و مراکزی که در آن انسان‌های خودساخته رفت و آمد می‌کنند زمینه آشنایی نوجوان با افراد سالم را فراهم نموده، به الگوپذیری او از شخصیت‌های اجتماعی،

منابع

- ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- آقا محمدیان، حمیدرضا، ۱۳۸۴، روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حدادعادل، غلامعلی، ۱۳۷۲، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش.
- حرانی، حسن‌بن‌علی، ۱۳۸۰، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیة.
- حکیمی، برادران، ۱۳۸۰، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۵۲، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- دهقانی، محسن، ۱۳۸۹، درسنامه حجاب، قم، صبح صادق.
- دیلمی، شیخ حسن، ۱۴۱۲، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی.
- رفعت‌جاه، مریم، ۱۳۸۶، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، کتاب زنان، ش ۳۸، ص ۱۳۵-۱۷۹.
- سیدرضی، محمدبن‌حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، قم، هجرت.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۶۸، مراحل رشد و تحول انسان، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شهرآرای، مهرناز، ۱۳۸۴، روان‌شناسی رشد نوجوان، تهران، علم.
- شیخ حرعاملی، محمدبن‌حسین، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- شیخ صدوق، محمدبن‌علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ____، بی‌تا، علل الشرائع، قم، داوری.
- ____، ۱۴۰۰ق، امالی الصدوق، چ پنجم، تهران، اعلمی.
- ضرابی، عبدالله، ۱۳۷۹، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت»، معرفت، ش ۳۳، ص ۶۱-۷۵.
- طبرسی، علی‌بن‌حسن، ۱۳۸۵، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، حیدریه.
- طبرسی، حسن‌بن‌فضل، ۱۳۷۰، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- عباسی، محمد، ۱۳۸۳، «عوامل فرار دختران از خانه»، معرفت، ش ۸۰، ص ۹۵-۱۱۰.
- علامه‌حلی، حسن‌بن‌یوسف، ۱۹۸۲، نهج‌الحق و کشف‌الصدق، بیروت، دار‌الکتاب اللبنانی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چ ششم، تهران، نی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالأنوار، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- مهدی‌زاده، حسین، ۱۳۹۰، فلسفه حجاب، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مهریزی، مهدی، ۱۳۸۵، حجاب، چ چهارم، تهران، کانون اندیشه جوان.
- نخعی، زینت، ۱۳۸۵، «علل ضعف پوشش و راه‌کارهای بهینه‌سازی آن»، بانوان شیعه، ش ۱۰، ص ۱۲۱-۱۳۰.
- نوری، حسین‌بن‌محمدتقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ششم، تهران، علمی و فرهنگی.

Kendall, Diana, 2011, Sociology in Our Times, USA, Wadsworth, Cengage Learning.
TURNER, BRYAN S, 2006, The Cambridge Dictionary of sociology, New York, Cambridge University Press.

